



ضرورت بازنگری ماموریت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ: از کاهش آلام انسانی تا پیشگیری از خشونت‌های مسلحانه *

امیرحسین مهرگان** - دکتر اردشیر امیرارجمند***

دکتر علی هنجی****



[CC-BY-NC-SA](https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0/)

چکیده

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به طور کلی بر جسته‌ترین بازیگر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و متولی صیانت از بشر در خشونت‌های مسلحانه است لیکن عملکرد سازمان به سه دلیل، ناراست است: منصرف نمودن حقوق بشر از شرح وظایف، تمرکز بر مفهوم کلاسیک جنگ و تکیه بر اصل محرمانه بودن اطلاعات برای تضمین حضور در مناطق بحرانی؛ چنین رهیافتی در پیش‌گیری از وقوع جرائم بین‌المللی بی‌فایده و از حیث ترمیم وضعیت قربانیان و تثبیت عدالت انتقالی کم اثر است. صلیب سرخ در محقق ساختن غایات خود بسیار محتاط است و گاه نقض قاعده را در معرض داوری افکار عمومی بین‌المللی قرار نمی‌دهد و اگرچه در اجرای اشتغالات میدانی برای رفع ایراد تلاش می‌کند اما سوال اصلی این است که آیا بدون اصلاح دستورالعمل‌های سازمانی، امکان رفع نواقص وجود خواهد داشت؟ این مقاله بر اساس روش‌های تحقیق عملی و کتابخانه‌ای با نقد عملکرد سازمان و توجه به روح اسناد حقوقی بین‌المللی بشر و بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری به هدف نمایاندن نارسایی‌ها و نتیجتاً تبیین لزوم انطباق نگرش و عملکرد سازمان با ابزار و اهداف متغیر در خشونت‌های مسلحانه معاصر تدوین شد.

کلیدواژگان

حقوق بین‌الملل بشردوستانه، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، صلح، امنیت، خشونت‌های مسلحانه

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری امیرحسین مهرگان با عنوان «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سهم آن در حفظ و استقرار صلح» تثبیت وضعیت موجود یا تحول» و راهنمایی دکتر اردشیر امیرارجمند است.

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، گروه تخصصی حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

*** نویسنده مسئول، دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. / ایمیل:

amirarjomandh@gmail.com

**** دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

حقوق محدود به قانون نیست و نظام‌های حقوقی به فراخور سرشت فرهنگی تابعان، محصول قواعدی می‌باشند که از یک سو متأثر و از سوی دیگر اثرگذار بر همان فرهنگ هستند، انتظار می‌رود قاعده حقوقی جنبه الزامی داشته و در تنظیم روابط اجتماعی و تبیین عملکردها، مردد نباشد. با این وجود قاعده حقوقی تاب تفسیر دارد و ممنوع از تکامل نیست! افزون بر این سازمان بین‌المللی، ارگان‌سیمی زنده و پویا است که با توسعه صلاحیت‌ها و تطبیق اشتغالات بر اوضاع و احوال جدید به حیات خویش ادامه می‌دهد.

در تبیین ابعاد موضوع مقاله می‌توان گفت جامعه بین‌المللی با تصویب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ را متولی نظارت بر اجرای اسناد مذکور نمود که بر آن بنیاد و اصول راهبردی خویش که ناظر بر جنگ است، مکلف به اعمال اشتغالات می‌گردد اما بسیاری از خشونت‌های مسلحانه جنگ محسوب نمی‌شوند و محدود ساختن حوزه تسری حقوق بین‌الملل بشردوستانه، ضامن صیانت از آدمی به جان و مال و سرکوب جرائم بین‌المللی نیست.

سوال اصلی این است که با اتکاء بر مفهوم شناخته شده جنگ که آن را منحصر به وجود عناصری چون: کشور، اعلام رسمی بروز حالت جنگی، وجود نیروهای مسلح و آموزش دیده مسئول و قابل شناسایی، فرماندهی متمرکز و موثر می‌سازد؛ حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر سایر خشونت‌های مسلحانه مانند نبردهای نیابتی، تروریسم یا جرائم سازمان یافته که متضمن مصادیق مذکور در تعریف جنگ نمی‌باشند، چگونه تعمیم خواهد یافت و آیا صلیب‌سرخ با توجه به اصول بنیادین خود که به مثابه قانون به آن‌ها می‌نگرد؛ در موارد مذکور مسئولیت بین‌المللی دارد؟ فرضیه اصلی مقاله، ضرورت توجه به تمامی انواع خشونت‌های مسلحانه با تأکید بر اقدامات پیش‌گیرانه است و که با دو روش تحقیق میدانی و کتابخانه‌ای، مبانی نظری حاکم بر اشتغالات سازمان‌های بین‌المللی و نقد اصول بنیادین حاکم بر رفتار سازمان، آسیب‌شناسی صلح در پرتو رویکرد تاسیسی و اجرایی کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ، تبیین ارتباط مستقیم و متقابل عوامل تهدید کننده صلح و امنیت، صلیب‌سرخ و مسئولیت آن در برابر صلح جهانی و تعهد دولت‌ها بر حمایت از انسان؛ بررسی می‌شود با این هدف که نشان دهیم صلیب‌سرخ در قبال تمام انواع خشونت‌های مسلحانه بین‌المللی مسئولیت حقوقی دارد.

۱- پیشینه

منابع مورد استفاده در نقد عملکرد سازمان و ضرورت اصلاح مقررات اجرائی آن عبارتند از: نوشتاری فاخر از هانس هیگ در باب اصول بنیادین صلیب‌سرخ و هلال‌احمر با عنوان انسانیت برای همه که با تکیه بر اساسنامه و مبانی هفتگانه بنیادین سازمان نشان می‌دهد صیانت از اصول

مذکور بویژه اصل بی‌طرفی، مستلزم حفظ یافته‌ها برای جلب اعتماد اصحاب مخاصمه است که مورد انتقاد است و ثابت می‌شود محرمانه نگاه داشتن یافته‌ها در خشونت‌های مسلحانه معاصر بی‌فایده و مضر است.

منبع دیگر، اثر دلورنزی است که معطوف به نقد رویه سازمان در قبال خشونت‌های مسلحانه از پایان جنگ سرد می‌باشد که ضمن بررسی مخاصمات مسلحانه در آسیای جنوب شرقی، رواندا و یوگسلاوی سابق و تحلیل عملکرد سازمان در آن وقایع، تلویحا به رفتارهای ناشیانه و نارسائی دست آوردهای سازمان توجه می‌کند با این حال در مورد اصلاح دستور العمل‌ها مردد است و بر اصول راهبردی پافشاری می‌کند، در مقاله حاضر تلاش بر آن است که ثابت شود عملکرد نارسا، بدون بازنگری دستور العمل‌های اجرایی و گاه، تفسیر موسع سند موسس، قابل اصلاح نیست. نهایتا، گزارش‌های سالانه سازمان بویژه سند ۲۰۱۹ که به دقت تحولات مخاصمات مسلحانه معاصر را رصد کرده و تحلیل جامعی از گسترش اهداف و ابزار جنگی به سایر حوزه‌ها مانند محیط زیست ارائه می‌دهد لیکن سهم سازمان در صیانت از حقوق بین‌الملل بشر را در سایه مسئولیت دولت‌ها کمرنگ ساخته و به ضرورت همپایی با تحولات مذکور توجهی ندارد، با این وجود در مقاله ضمن اشاره به مسئولیت حمایت که متوجه دولت‌ها است، به امکان اتکاء به این قاعده در تحقق غایات سازمان می‌پردازیم.

در خصوص دیدگاه انتقادی مقاله راجع به لزوم ایجاد تحول در دستور العمل‌های اجرایی و تعدیل اصول راهبردی همگام با تحولات حقوق بین‌الملل بشردوستانه، منبع خاصی در تکمیل پیشینه مشاهده نشد.

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری حقوقی مرتبط با عملکرد سازمان

اهداف، غایات، اختیارات و صلاحیت‌های سازمان‌های بین‌المللی، حوزه اشتغال آن‌ها را در اسناد موسس تبیین می‌کند، با این توضیح که غایات سازمانی تغییر ناپذیر بوده و امکان انحراف از آن‌ها وجود ندارد اما روش‌های دستیابی به غایات که به اهداف سازمانی تعبیر می‌شوند ممکن است در زمان و مکان متحول یا دگرگون شوند و «اختیارات سازمان ناظر بر ظرفیت آن در تعامل با غایات و اهداف است ولی صلاحیت آن، ابعاد رابطه سازمان با موضوعی که برای آن تاسیس گشته است را تبیین می‌کند» (Burton, 2018: 31-39) کارآیی و حیات سازمان در گرو تشخیص به هنگام لحظه تعدیل اهداف در چارچوب اختیارات سازمانی و همگامی با تحولات در زمان و مکان بر مبنای حوزه صلاحیت‌های آن است.

سازمان‌های بین‌المللی حق دارند با ابزارهای گوناگون از جمله تفسیر، نسبت به توسعه صلاحیت‌های اساسنامه‌ای خود اقدام کنند ولی درج تمامی موارد مربوط به اختیار، صلاحیت، مسئولیت و اشتغال در سند موسس لازم نیست بلکه سازمان به صورت ضمنی نیز دارای

صلاحیت‌هایی می‌باشد (ICJ: 1949, Advisory Opinion). فرع الف بند ۱ ماده ۴ اساسنامه کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ، آن را به رعایت اصول هفت‌گانه راهبردی متعهد می‌سازد که با تکیه بر همین اصول، شروع اشتغالات خود را منوط به بروز جنگ نموده و در بسیاری موارد اطلاعات مربوط به نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در معرض افکار عمومی بین‌المللی قرار نمی‌دهد اما با توجه به تحول مفاهیمی چون صلح و امنیت بین‌المللی و ارتباط مستقیم حقوق‌های بشر و بشردوستانه با خشونت‌های مسلحانه؛ باید در این باره تجدیدنظر کند.

با اقتباس قابل‌تسامح از نظریه کارکردگرایی^۱ در روابط بین‌الملل که ناظر بر اثبات سیر نزولی استعداد دولت در رفع نیازهای بشری بدلیل محدودیت جغرافیایی و مرزی است (Joseph Frankel, 2015) می‌توان گفت خود محدود سازی سازمان به مفاد اختیارات اساسنامه‌ای و عدم توجه به ضرورت گسترش صلاحیت‌ها با توجه به نیازهای بنیادین جامعه بین‌المللی در عصر حاضر، نتیجه‌ای جز فروپاشی در بر نخواهد داشت.

۳- تاریخچه دست‌آورد سازمان در قبال بشریت

تاسیس سازمان، مرهون اندیشه و اراده هانری دونان است که در ۲۴ جون ۱۸۵۹ شاهد نبرد ارتش‌های اطیش و فرانسه در ناحیه سولفورینو بود که ۴۰۰۰۰ کشته و زخمی بر جای نهاد تا طعمه درندگان گشته یا خود جان دهند. وی مردم بومی را واداشت تا بدون توجه به تابعیت قربانیان، به ایشان امداد رسانند و بعدها با نگارش کتاب یادبود سولفورینو، پیشنهاد تاسیس انجمن‌های امدادگران در زمان صلح را مطرح ساخت که از آمادگی لازم برای فعالیت در جنگ برخوردار باشند و به داوطلبان خدمت، مصونیت از تعرض اعطا شود، بدین ترتیب کمیته بین‌المللی نجات مصدومین تأسیس شد که به کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ با علامت مشخصه چلیپای سرخ در زمینه سپید به تغییر نام یافت (Pierre Boissier, 1985: 7-85).

مدتی بعد کنوانسیون بهبود وضعیت نظامیان مجروح در جنگ‌های زمینی تصویب شد که نخستین سند حقوق بین‌الملل بشردوستانه در دوران معاصر تلقی می‌شود و در پی آن، کنفرانس‌های دیگری با هدف رسیدگی به وضعیت سایر قربانیان مانند زندانیان جنگی تشکیل یافت و در پایان دومین جنگ جهانی، کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو^۲ و در سال ۱۹۷۷

^۱. Functionalism

^۲. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو که همگی در تاریخ ۱۲ آگست ۱۹۴۹ به تصویب رسیدند به ترتیب عبارتند از:

Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in the Armed Forces in the Field.

پروتکل‌های الحاقی به آن‌ها تدوین شدند که هنوز به تأیید کلیه اعضای جامعه جهانی نرسیده‌اند.^۱ با این وجود، دومین جنگ جهانی نشان داد سازمان، گاه در مقابله با رویدادهای نو ناکارآمد است، گشوده شدن اردوگاه‌های مرگ و کمپ‌های اسارت آلمان نازی پس از خاتمه جنگ دوم جهانی، موجب شد تلاش‌های چشمگیر صلیب سرخ در دوران جنگ به یک باره نادیده انگاشته شود و افکار عمومی علیه این سازمان بین‌المللی بشورد و حتی نظراتی افراطی در لزوم انحلال و انتقال حقوق، تکالیف و صلاحیت‌های آن به یک مجمع بین‌المللی دیگر، مطرح گردد.

بیانیه ۲۷ آوریل ۲۰۰۷ مجمع عمومی سازمان که در ۲۵ اکتبر ۲۰۰۷ تدوین (ICRC, 2007, document) و در گزارش ۲۶ نوامبر ۲۰۱۸ راجع به عملکرد سازمان در خلال جنگ دوم جهانی (ICRC, 2018, document) انتشار یافت، از هر حیث موید مدعای این نوشتار می‌باشد، در بخش‌هایی از گزارش آمده است: «... کشتار جمعی یهودیان ... تحت حکومت رایش سوم، موجب بروز رنج و صفت ناپذیر و نشان شکست تمدن غرب و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است ... اما بار آن بیش از همه بر دوش سازمان است که علی‌رغم ماموریتی روشن، نتوانست از توان خود برای جلوگیری از این امر استفاده کند...» (ICRC Assembly, 2006).

اندیشه گرانقدر صیانت از حقوق ذاتی بشر و چند دهه تلاش سازمان در کاهش آلام انسانی به بار نخواهد نشست مگر در سایه بازنگری شرح وظایف، ماموریت‌ها و انجام اقدامات پیش‌گیرانه، بر این بنیاد، آزمون فرضیه به شرح زیر عبارت است از:

۱-۳- پیش‌گیری

مخاصمات مسلحانه موجب بروز حالات اجتماعی پیچیده و نابسامانی می‌گردند، از این روی لازم است برای تضمین قواعد حقوقی، جلوگیری از بروز جرائم بین‌المللی، ترمیم کالبد آسیب دیده جوامع، احیای زیر ساخت‌ها و عدم ظهور مجدد خشونت، با نگاهی پیش‌گیرانه، مورد بررسی قرار گیرند، بدیهی است «عدم تثبیت عدالت به عنوان مبنای صلح یکی از دلایل بروز

- Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick and Shipwrecked Member of Armed Forces at Sea.

- Geneva Convention Relative to the Treatment of Prisoners of War.

- Geneva Convention Relative to the Civilian in Time of War.

^۱. این دو سند عبارت از:

- Protocol Additional to the Geneva Convention of 12 August 1949, And Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I).

- Protocol Additional to the Geneva Convention of 12 August 1949, And Relating to the Protection of Victims of Non International Armed Conflicts (Protocol II).

خشونت مسلحانه می‌باشد» (Karzan, 2016: 81-88) و در اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه با لحاظ انصراف ظاهری متن اسناد ژنو از مفهوم عدالت، نباید به این معنای علی‌بی توجه بود. تحولات جهانی، جنگ را از قالب کلاسیک خارج ساخته‌اند، افزون بر این، عواملی چون فقر در کنار انباشت ثروت، قدرت و دانش در شمار معدودی از کشورها، منشاء خشونت‌های تعریف نشده‌ای هستند که موضوع تفاسیر شخصی و تئوری دفاع مشروع پیش‌گیرانه یا مداخله بشردوستانه نظامی و کاربرد زور قرار می‌گیرند.

صلیب سرخ، به عنوان سازمانی بی‌طرف، بی‌غرض^۱ و مستقل^۲ در حوزه حقوق بشردوستانه، متعهد به حمایت از قربانیان جنگی است. شخصیت حقوقی این نهاد بین‌المللی با توجه به ساختار ویژه و اساسنامه، آن را از دیگر سازمان‌های بین‌المللی یا غیر دولتی متمایز می‌سازد که قاعدتاً کلیه اشتغالات خود را بر اساس هفت اصل انسانیت^۳، فقدان پیشینه ذهنی،^۴ بی‌طرفی و تأثیر ناپذیری^۵، استقلال، خدمت داوطلبانه، وحدت و جهانی بودن (ICRC, 2020, Brief Pamphlet) انجام می‌دهد لیکن به نظر می‌رسد عملکرد سازمان در خشونت‌های خارج از عنوان کلی جنگ، فاقد کارآئی لازم است.

۲-۳- کاهش آلام

ماموریت سازمان از منظر حقوق بشردوستانه، معطوف به محدود سازی ابزار، روش‌ها و اهداف برای حمایت از قربانیان در مخاصمات مسلحانه و سایر خشونت‌ها می‌باشد (ICRC, 2020, Statement) لیکن به باور برخی حقوق‌دانان مانند ژان ماری هنکارت، اریک سونکلارد و لویس دوسوالد، حقوق بشردوستانه به جهت ماهیت معاهداتی اسناد ژنو و محتوای آن‌ها، فقط در موارد زیر قابل اجرا هستند: درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی میان نیروهای مسلح حداقل دو کشور؛ درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی میان نیروهای مسلح یک کشور با گروه‌های مسلح قابل شناسائی یا وقوع جنگ میان آن‌ها در محدوده جغرافیائی یک کشور؛ آشوب‌های داخلی^۶ متضمن بکارگیری نیروهای مسلح بدون جنگ داخلی؛ نا آرامی‌های داخلی^۷ منتهی به استفاده از نیروهای مسلح برای اعاده نظم و امنیت.

¹. Impartial

². Neutral

³. Independent

⁴. Humanity

⁵. Impartiality

⁶. Neutrality

⁷. Internal Disturbances

⁸. Internal Tensions

اما مأموریت سازمان نباید صرفاً معطوف به جنگ گردد بلکه در صلح نیز امکان پذیر و الزامی است و بخشی از توان آن باید به پیش‌گیری تخصیص یابد که غیر حصری بوده و متضمن بازدارندگی در برابر فروپاشی زیر ساخت‌های اجتماعی و بازسازی پسا بحران می‌باشند که این امر مستلزم بازنگری در دستورالعمل اجرائی و ماموریت سازمان است. در ادامه به آسیب‌شناسی نقض صلح پرداخته می‌شود تا روشن گردد چرا توسعه صلاحیت کمیته به خارج از مفهوم جنگ ضروری است.

۴- ضرورت بازنگری ماموریت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ

در این بخش از مقاله، یافته‌های آن ارائه شده و تلاش می‌شود، فرضیه آن به آزمون گذارده شود.

۴-۱- آسیب‌شناسی صلح در پرتو رویکرد تأسیسی و اجرایی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ
جهان در حال تغییر است و رهبران در اعلامیه هزاره پیمان بستند اصول منشور ملل متحد را به مثابه ارزش‌های بنیادین ارج نهند و به صلح پایدار نائل گردند (UN, 2000, A/RES/55/2) روشن است «صلح به عنوان یک خیر اخلاقی، محصول اجرای حقوق اجتماعی و فردی است و در سایه اخلاق که موفق‌ترین صورت پردازی حقوق بشر است محقق می‌گردد» (Falsafi, 2002: 159) حفظ صلح، مستلزم استقرار حکومت قانون است مشروط به اینکه خود قانون در تغایر با صلح نباشد، نقش اخلاق، بشریت و سازمان‌های بین‌المللی در این مورد قابل انکار نیست با این وجود صلح سست و لرزان است و تهدیدها علیه آن بی‌ارتباط با یکدیگر نبوده و نباید به طور انتزاعی بررسی شوند. تفسیر اسناد مؤسس سازمان‌های بین‌المللی در سایه ملاحظات، دست‌آوردی جز نقض حقوق بشر و انهدام صلح جهانی ندارد و لازم است با ابزار تفسیر، روش حقوقی هماهنگ با مصالح‌کامنه کشف شود.

سازمان‌های فعال در حوزه حقوق بشردوستانه، باید به شکل مؤثر به نیازهای حیاتی اجتماعی توجه کرده و پیش‌گیری از نقض قاعده مبدل به مهم‌ترین اشتغال آن‌ها گردد. صلح‌سازی مستلزم اعاده اوضاع و احوال به شرایط قبل از مخاصمه، تأسیس یا بازسازی نهادهای اجتماعی، تأمین منابع مالی، هماهنگ‌سازی و تجمیع اقدامات حمایتی، جلب همکاری دولت‌ها، تضمین جریان آزاد تبادل داده‌ها، اصلاحات قانونی، جلب افکار عمومی و حذف مصونیت‌های سیاسی - قضائی در اجرای عدالت انتقالی است که جزء لاینفک و شرط لازم تحقق حکومت قانون پس از خشونت مسلحانه محسوب می‌شود.

¹ Rule of Law

محتوای سند موسس سازمان نمایه همه اهداف آن نیست و نباید با بی‌توجهی به اقدامات پیش‌گیرانه، در انتظار وقوع جنگی که قواعد کنوانسیون‌های ژنو بر آن قابل اعمال باشد، دست بردارید. این امر به معنای فراموش کردن پیمان جامعه جهانی پس از واقعه رواندا و تعهد به عدم تکرار آن است (A/59/2000) ایجاد اراده لازم برای اجرای مفاد اسناد حقوق بین‌الملل بشری یا حقوق بین‌الملل بشردوستانه، خطیر و جدی است. تفاوت آشکار میان واقعیات اجتماعی و شعارهای بی‌محتوا، میان آنچه اعلام می‌شود و آنچه مورد متابعت و اقدام قرار می‌گیرد، موجب بروز آسیب‌های غیر قابل جبران است، با این وصف بر سازمان است تا مواضع خود را در موارد زیر روشن سازد:

۱-۱-۴- جنگ داخلی و آشوب مسلحانه

تقابل مسلحانه نیروهای حکومتی با قوای مخالف در یک حوزه سرزمینی یا منازعات مسلحانه میان گروه‌های سازمان‌یافته و تحت فرماندهی واحد در همان کشور، جنگ داخلی است ولی آشوب داخلی که ممکن است زمینه ساز نقض بنیادین حقوق بشردوستانه گردد، از این تعریف خارج است.

۲-۱-۴- تروریسم

به گواهی قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت، تروریسم تهدید مهمی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است (۲۰۰۱-۱۳۷۳، ۲۰۰۱-۱۳۷۷، ۲۰۰۳-۱۴۵۶، ۱۵۳۵-۲۰۰۴) ولی تاکنون تعریف جامع و مانعی از آن نشده است با این وصف، در هنگام تدوین اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، الجزایر، هند، سریلانکا و ترکیه پیشنهاد کردند به عنوان جنایت علیه بشریت در ماده ۷ اساسنامه دیوان تحت صلاحیت قضائی دیوان قرار گیرد اما ایالات متحده آمریکا به دلیل عدم وجود تعریف روشن، با آن مخالفت نمود. ویژگی بارز تروریسم، به کارگیری خشونت یا تهدید به آن علیه غیر نظامیان برای ایجاد وحشت فراگیر و اعمال فشار بر دولت‌ها است (Gus Martin, 2003) (33 اقدامات پیش‌گیرانه مانند فقرزدائی، نقش موثری در مبارزه با ترور دارد، کشورهای فقیر محیط مناسبی برای رشد تروریسم و پایگاه‌های امن آن محسوب می‌گردند. به نظر می‌رسد مواد ۵۱ پروتکل اول و ۱۳ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو با تأکید بر ضرورت تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی و ممنوع ساختن اعمال خشونت یا تهدید به آن، به عنوان مبنای توجه به تروریسم، می‌تواند مورد استناد سازمان قرار گیرد.

۳-۱-۴- جرائم سازمان‌یافته فراملی

این اعمال موجب تضعیف حاکمیت قانون و شامل طیف وسیعی از افعال مجرمانه از جمله تامین منابع مالی تروریسم بوده و با سایر عوامل تهدید کننده صلح و امنیت بین‌المللی مرتبط می‌باشند، از سخنان مشاور حقوقی و نماینده سازمان در مسائل مربوط به دیوان کیفری بین‌المللی

استنباط می‌گردد که سازمان علی‌رغم باور به عملکرد تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی در صیانت از حقوق بین‌الملل بشردوستانه، با تکیه بر اصل محرمانه بودن اطلاعات مکتسبه، از همکاری اثربخش با آن نهاد در مقابله با این جرائم امتناع می‌ورزد (Rosa, 2009, Interview) این معنا با توجه به پاراگراف آخر بیانیه ۲۰۱۰ سازمان در خصوص محرمانه و تحت کنترل کامل بودن اطلاعات مکتسبه، تقویت می‌گردد (ICRC, 2010, International Criminal Court, Overview)

۴-۱-۴- بیماری‌های واگیردار

پاندمی، مانع توسعه پایدار، موجب هدر رفت سرمایه، فقر و مهاجرت گسترده گشته و تهدید جدی علیه صلح است و گاه تبدیل به ابزاری برای نقض سیستماتیک حقوق بشردوستانه می‌گردد چندان که در رواندا از مبتلایان به اچ. آی. وی. ایدز برای گسترش بیماری از طریق تجاوز جنسی استفاده مؤثر شد (Kollui, 2018).

بیانیه ۲۰۲۰ سازمان ناظر بر کوید ۱۹، مبین ضرورت توجه به نیازهای زیرساختی، ارائه خدمات به جمعیت‌های نیازمند، عدم محدود سازی حمایت‌ها به تامین تجهیزات بهداشتی و پزشکی و جلوگیری از اقدامات خودسرانه دولتی در گسترش بیماری است اما با قراردادن این رهیافت‌ها تحت اصل محرمانه بودن اطلاعات مکتسبه، نشان از فقدان اراده عملی برای تغییر دارد (ICRC, 2020, document).

۴-۱-۵- بحران‌های زیست محیطی

برابر ماده ۲۵ کنوانسیون ريو؛ صلح، توسعه و حفاظت از محیط زیست، به یکدیگر وابسته‌اند و عدم مدیریت صحیح آنها، فرصت نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را بوجود خواهد آورد (World Summit Outcome, GA/60/L). پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به طور خاص، بکارگیری روش‌ها و ابزارهای جنگی به منظور ایراد صدمات جدی بلند مدت به محیط زیست را ممنوع کرده است و چنین افعالی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز به عنوان جنایت علیه بشریت معرفی شده‌اند، سازمان در سال ۱۹۷۶ متولی تصویب کنوانسیون ممنوعیت استفاده نظامی یا خصمانه از طبیعت از طریق اعمال روش‌های تعدیل‌کننده بود لیکن عدم تمایل به همکاری مؤثر با دیوان کیفری بین‌المللی و پای‌بندی به اصول راهبردی و محدود ساختن حوزه اشتغالات به جنگ، لطمات جدی را متوجه محیط زیست بین‌المللی در خشونت‌های مسلحانه می‌سازد (ICRC, 2010, overview).

۴-۱-۶- مهاجرت جمعی

ناپایداری صلح و امنیت، مهاجرت‌گزینی توده‌ها و از میان رفتن ثبات کشورهای مهاجرفرست و مهاجرپذیر را در پی دارد، انگیزه دفاع مشروع برای صیانت از منابع و فضای حیاتی در سرزمین‌های مهاجرپذیر، موجب بروز خشونت در سطوح ملی و بین‌المللی می‌گردد که مداخله در جلوگیری از آن را ضروری می‌سازد البته سازمان، بخشی از اشتغالات خود را معطوف به

انجام امور حمایتی در مهاجرت‌های گسترده می‌کند که محدود به خدمات بشردوستانه در جنگ است و متوجه عوامل علی و اقدامات پیش‌گیرانه نمی‌باشد و در صورت کشف موارد نقض حقوق بشردوستانه، اطلاع‌رسانی بر مبنای اصول راهبردی و عدم اشتیاق به همکاری با نهادهای قضاوتی کیفری بین‌المللی، محقق نمی‌گردد (ICRC, 2018, Article).

۲-۴- ارتباط مستقیم و متقابل عوامل تهدید کننده صلح و امنیت

ماهیت خشونت‌های مسلحانه معاصر و صیانت از صلح و امنیت بین‌المللی مستلزم دگرگونی نگرش به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و از بین بردن مرز باریک میان آن‌ها است. بر اساس ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد مقابله با خطرات و عوامل تهدید کننده صلح و امنیت بین‌المللی که از یکدیگر قابل تفکیک نبوده و اثر هیچیک از آنها کمتر از دیگری نیست، بر عهده تمامی تابعان حقوق بین‌الملل است. باید روشن شود آیا صلیب سرخ می‌تواند با تکیه بر سند موسس، صلاحیت خود را بر این عوامل تسری داده و در انجام اقدامات پیش‌گیرانه سهم داشته باشد؟

۳-۴- مسئولیت در برابر صلح جهانی

مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه به چهار حوزه کلی رفتار با غیر نظامیان، رفتار با نظامیان، محدود سازی روش و ابزار جنگ، تمایز اهداف نظامی و غیر نظامی تقسیم می‌گردد البته دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کورفو اصول حقوق بشردوستانه را محدود به موارد مذکور ندانسته و تابعان حقوق بین‌الملل را متعهد به رعایت اصول برخاسته از عرف بین‌الملل و ملاحظات اولیه بشریت برشمرد کما اینکه در آرای کورفو و قضیه نیکاراگوئه اعلام می‌کند «تعهدات مقرر در کنوانسیون‌های ژنو، جز انعکاس اصول عام بشردوستانه نیست» (Beigzadeh, 2017: 9) با این وصف سازمان باید با تکیه بر مقررات ژنو و ابزار تفسیر، در موارد زیر مشارکت فعال داشته باشد:

۱-۳-۴- حفظ و تثبیت صلح

صیانت از حقوق بشردوستانه پس از نقض آن موثر نیست (Dulti & Pellandii, 1994: 241) زیرساخت‌های حقوقی سازمان، مادام که مخاصمه مسلحانه مبتنی بر روش‌های شناخته شده و سلاح‌های متعارف باشد منتهی به عملکردی قابل قبول می‌گردد اما در مواجهه با اشکال نوین خشونت کارآمد نیستند، بر اساس بند ۶ اعلامیه هزاره، تثبیت صلح و امنیت بین‌المللی یک ارزش جهانی و مسئولیت مشترک تابعان حقوق بین‌الملل است اما به نظر می‌رسد سازمان آماده پذیرش این مسئولیت نیست، برای نمونه دستورکار سازمان در مورد اسرای جنگی روشن است ولی در

نبرد قدرت‌های جهانی علیه تروریسم و طرح مفهوم رزمنده دشمن توسط ایالات متحده آمریکا که افراد القاعده را بدان متصف ساخت، عملکرد منفعل داشت و گروهی را از حمایت حقوق بشردوستانه محروم نموده و تعمیم مقررات راجع به اسرای جنگی بر وضعیت ایشان را در محاق قرار داد، رئیس وقت سازمان در دسامبر ۱۹۹۵ اظهار نمود «... صلیب سرخ، بر مبنای سند مؤسس خود، صرفاً می‌تواند به مثابه یک دما سنج، وقوع، وخامت یا تشدید وضعیت‌های خشونت بار را منعکس سازد...» متأسفانه چنین اظهار نظری هنوز صادق است! (ICRC president, 1995: 6).

توسیع صلاحیت‌ها و همگامی با تحولات، به معنای نادیده گرفتن اصول بنیادین نیست لیکن با توجه به تاثیر پذیری اهداف و ابزار از زمان و مکان، عدم انطباق با تحولات، نتیجه‌ای جز تبدیل سازمان به نمایه‌ای کم اثر نخواهد داشت، ژاک فریمون، متخصص تاریخ سیاسی در ۱۹۷۶ گفته است «تمامی اقدامات بشردوستانه در زمینه‌های سیاسی به وقوع می‌پیوندند و سازمان‌هایی که در امور بشردوستانه فعالیت می‌کنند، باید مبادرت به طراحی سیاست‌های بلند مدت بر اساس تحلیل عمیق مسائل روز، شناخت کافی از شرایط حاکم بر ادوار زمانی، اوضاع و احوال اجتماعی و تعاملات بنیادین و گاه غیر قابل رویت در سیاست جهانی نمایند. این معنا مستلزم وجود استراتژی بشردوستانه است که تمایز آشکاری با حرکات تاکتیکی در بحران دارد. فقط در سایه همین سیاست است که سازمان از خطر به هم ریختگی و جدائی از حقوق بشردوستانه و تبدیل شدن به ابزار سیاسی، نجات می‌یابد...» (Gerres, 1976: 77).

۲-۳-۴- صلیب سرخ، روند صلح سازی از منظر عدالت انتقالی

معنای غالبی که از صلح ارائه می‌شود (= فقدان جنگ) نارسا است و سهم بازیگران حوزه حقوق بشردوستانه در صلح سازی را روشن نمی‌سازد در این وضعیت، سازمان باید میان اعتبار جهانی خود و جلب اعتماد قدرت‌های میدانی ایجاد تعادل نماید و برای روزآمدی نگرش به رخدادهای نوین، ضمن تعمیق روابط با سایر نهادهای بین‌المللی ذیربط بویژه ملل متحد، دیوان کیفری بین‌المللی یا دادگاه‌های موقت کیفری بین‌المللی، نسبت به انجام اقدامات پیش‌گیرانه از طریق اطلاع رسانی و بسیج افکار عمومی علیه موارد نقض فاحش قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و بازنگری در اصل محرمانه بودن اطلاعات اقدام کند، مقاومت در برابر این امر، به معنای کتمان «... جرایم بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل عام و جنایات بدون مرزی است که وجدان کل بشریت را جریحه دار می‌سازد...» (Esmaeil Nasab, 2019: 132).

وجه متمیز خشونت‌های مسلحانه معاصر، ارتکاب آشکار جنایات جنگی و ترویج وحشت از اعمال غیر انسانی است که به سختی می‌توان با تکیه بر دیپلماسی یا حقوق، از ارتکاب آنها جلوگیری نمود و محرمانه نگاه داشتن اطلاعات یا عدم همراهی با مراجع قضائتی بین‌المللی به

¹. Enemy Combatant

امید بهبود وضعیت، تأثیری در نتیجه ندارد. جمله زیر، که هنوز با گذشت تقریباً سه دهه راست می‌نماید، نشان می‌دهد سازمان تا چه اندازه در انطباق با رخ دادهای نوین بطئی عمل کرده است؛ «... در دورانی که قدرت مطلق دولت [به عنوان اصل بنیادین حقوق بین‌الملل عمومی] قابل استناد بود، این موارد [پافشاری بر اصولی چون محرمانه بودن اطلاعات و نگرانی در مورد نقض بی‌طرفی و ...] مؤثر می‌نمود و چهره دولت‌ها را تخریب می‌کرد اما در خشونت‌های مسلحانه داخلی یا جنایت علیه بشریت یا تجاوز و قیحانه آشکار [علیه انسانیت] چه تأثیری دارند؟ در این اوضاع و احوال، آشکار نمائی [بدون برنامه و انفرادی] و متابعت از سیاست‌هایی مانند ارائه گزارش‌های [منظم و دوره‌ای بر اساس دستورالعمل‌های از قبل موجود] و انتشار [محدود] اخبار نیز فاقد اثر است...» (Destexhe, Alain, 1996: 345-347). اطلاع رسانی به موقع، چنانچه با تحلیل درست و جلب افکار عمومی توأم گردد، اقدام پیش‌گیرانه مهمی است که می‌تواند در معرفی قاعده و تبیین پی‌آمد نقض آن در هنگام اجرای عدالت انتقالی با هدف صلح‌سازی مؤثر باشد و بر سازمان است که برای ترویج حقوق بین‌الملل بشردوستانه و جلب افکار عمومی، به انتشار وقایع بپردازد.

۳-۴- تعهد دولت‌ها بر حمایت از انسان

تأکید بر مسئولیت بین‌المللی در قبال بشریت، روش موثری برای تقویت حقوق بشردوستانه است. ماده ۱ مشترک اسناد ژنو، ظرفیتی چشم‌گیر برای صیانت از صلح ایجاد کرد که نباید به سادگی از آن گذشت. هیچ دولتی از رعایت قواعد حقوق بشردوستانه مستثنی نیست «مسئولیت دولت، از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل است که برای حمایت از حقوق ملت‌ها در برابر دولت‌ها طراحی شده و زمانی قابل استناد است که یک دولت، تعهد خود را در قبال دولت یا ملت دیگر یا ملت خود، نقض کند» (Rahimi, 2017: 68) و حتی دولت‌هایی که طرف مخاصمه مسلحانه نیستند مکلف به نظارت بر رفتار سایر دول هستند و ضمانت اجرای این امر، تحمیل مسئولیت مشترک است که تحت عنوان: تأکید بر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و مسئولیت مشترک، در اوائل دهه ۹۰ میلادی در کنفرانس بین‌المللی حمایت از قربانیان جنگی مطرح شد. سؤال این است که آیا این مسئولیت تا باز تولید حق بر مداخله نیز پیش می‌رود؟

حق بر مداخله بدان معنا است که قربانیان خشونت از حمایت مستقیم حقوق بین‌الملل بشردوستانه برخوردار گردند و سازمان‌های بین‌المللی به مجرد وقوع حادثه، نسبت به اجرای این حق، تکلیف دارند، «صلیب سرخ بر آن است که مداخله دولت‌ها باید با معیارهای حقوق بین‌الملل تفسیر گردد و مخالفت اصولی با مداخله در فرونشاندن بحران ندارد و معتقد است بر اساس اصل مسئولیت مشترک، در پاره‌ای موارد دولت‌ها مکلف به مداخله هستند» (Sommaruga, 1997) و اعضای اسناد ژنو، منفرداً یا مجتمعاً، هنگامی که کشورهای درگیر، علاقه یا توان صیانت از قواعد مذکور را ندارند، باید برای تضمین قواعد حقوق بشردوستانه اقدامات لازم را انجام دهند. در هر

حال سوء استفاده از این حق، صلح را در خطر قرار می‌دهد، بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد و تصمیم‌های شورای امنیت که در چارچوب فصل هفتم اتخاذ می‌گردند، دفاع مشروع فردی یا جمعی، استثنای وارد بر کار برد زور است البته کمیسیون حقوق بین‌الملل در بند ۱۱ ماده ۲ سند راجع به جرایم علیه صلح و امنیت، برخی اعمال مانند کشتار جمعی و برده سازی را توجیه کننده اقدامات جامعه جهانی علیه ناقضین مقررات مورد اشاره تلقی کرده است؛ افزون بر این، حق بر مداخله غیرنظامی و نظارتی در سیاق برخی اسناد بین‌المللی مانند میثاق حقوق مدنی و سیاسی، پیش‌بینی گشته است با این حال توسل به زور با توجیه حمایت از بشریت، مشروعیت ندارد و دلیلی برای جای گرفتن آن در اعداد قواعد حقوق بین‌الملل عام در دست نیست.

در پی تعدیات آشکار به حقوق انسان در مناطق در رواندا، یا شبه جزیره بالکان و مداخله نظامی ناتو در قضیه کوزوو، جامعه جهانی وارد مباحث ناظر بر چگونگی مداخله در موارد نقض فاحش مقررات آمره بین‌المللی و صیانت از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و افکندن طرحی نو در مداخلات بشردوستانه شد و مسئولیت حمایت به عنوان یک قاعده حقوقی برای پایان بخشیدن به شدیدترین اشکال خشونت و تعقیب مرتکبان آن مطرح گشت تا خلاء میان تعهدات مبتنی بر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر و واقعیات میدانی که جمعیت‌های در معرض جنوساید، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جرائم علیه بشریت با آن مواجه می‌باشند را پر کند. کوفی عنان با تکیه بر اعلامیه هزاره، در گزارش سال ۱۳۹۹ خطاب به مجمع عمومی، ضمن تفسیر اصول منشور ملل متحد و بیان لزوم دفاع از مفهوم انسانیت، نکات مهمی در مورد مداخله برای صیانت از امنیت بشر مطرح ساخت: «اگر مداخله بشر دوستانه برآستی به منزله نقض حقوق بین‌الملل و اصل حاکمیت باشد چگونه باید در مواجهه با یک رواندا یا سربرنیتسکای دیگر یا موارد مشابه نقض فاحش حقوق بشر که جامعه جهانی و اصول مشترک انسانیت را متاثر می‌سازد اقدام نمود؟»

دولت کانادا با توجه به ایده موصوف گزارشی با عنوان مسئولیت حمایت تهیه کرد که مستفاد از آن، حاکمیت صرفاً یک مفهوم بازدارنده مداخلات خارجی نیست بلکه به معنای مسئولیت دولت در حفظ حقوق ذاتی اتباع و تلاش برای جلب همکاری ملی و بین‌المللی در این زمینه است بنابراین، مسئولیت ذاتی اولیه برای صیانت از حقوق انسان بر عهده دولت است و در صورت قصور یک دولت، سایر دولت‌ها در این باره دارای مسئولیت تبعی و تکمیلی می‌باشند، حاصل تلاش کانادا در گزارش ۲۰۰۵ دبیر کل با عنوان: به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه، منعکس و مبدل به اصلی شد که بر اساس آن دولت، مسئول صیانت از اتباع خود تلقی می‌گردد و چنانچه به اجرای این تعهد تمایل نداشته یا در اجرای آن ناتوان باشد، مسئولیت مذکور بر عهده جامعه جهانی قرار خواهد گرفت تا از طرق دیپلماتیک، بشردوستانه یا سایر روش‌ها، از انسان حمایت کند که منتهی به تصویب قطعنامه مسئولیت حمایت (A/RES/60/1) در نشست

جهانی ۲۰۰۵ ملل متحد شد که در مواد ۱۳۸ تا ۱۴۱ آن، سران کشورهای عضو ملل متحد، متعهد به حمایت از اتباع خود در قبال اعمالی چون جنوساید و قبول مسئولیت جمعی برای تشویق یکدیگر به رعایت الزامات مذکور شدند.^۱

نتیجه‌گیری

غایت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ صیانت از حقوق بشردوستانه است که ناظر بر تمام فروض مترتب بر خشونت‌های مسلحانه می‌باشد و باید از رعایت آن در خشونت‌های مسلحانه اطمینان حاصل کرده و در هنگام صلح، با نگاهی پیش‌گیرانه، ضرورت آموزش و توسعه قواعد حقوق مورد اشاره را خاطر نشان سازد، حقوق بشردوستانه فارغ از حقوق بشر، حقوقی کارآمد نیست و خروج موضوعی امور از حوزه حقوق بشردوستانه، متضمن ورود همان مصادیق به حریم

^۱ Paragraphs on the Responsibility to Protect:

138- each individual state has the responsibility to protect its populations from genocide, war crimes, ethnic cleansing and crimes against humanity. This responsibility entails the prevention of such crimes, including their incitement, through appropriate and necessary means. We accept the responsibility and will act in accordance with it, the international community should as appropriate encourage and help states to exercise this responsibility and support the united nations in establishing an early warning capability.

139- the international community , through the united nations, also has the responsibility to use appropriate diplomatic, humanitarian and other peaceful means , in accordance with chapters IV and VIII of the charter, to help protect populations from genocide, war crimes, ethnic cleansing and crimes against humanity, in this context, we are prepared to take collective actions , in a timely and decisive manner through the security council in accordance with the charter including chapter VII on a case by case basis and in cooperation with relevant regional organization as appropriate , should peaceful means be inadequate and national authorities manifestly fail to protect their populations from genocide, war crimes, ethnic cleansing and crimes against humanity, we stress the need for the general assembly to continue consideration of the responsibility to protect populations from genocide, war crimes, ethnic cleansing and crimes against humanity, and its implication, bearing in mind the principles of the charter and international law, we also intend to commit ourselves , as necessary and appropriate to helping states build capacity to protect their populations from genocide, war crimes, ethnic cleansing and crimes against humanity, and to assisting those which are under stress before crises and conflict break out.

140- we fully support the mission of the special advisor of the secretary general on the prevention of genocide.

حمایتی حقوق بشر است، وضعیت‌های نه جنگ نه صلح، زمینه نقض قواعد حقوقی را فراهم می‌سازد و ادغام قواعد حقوق بشر با حقوق بشردوستانه ضرورتی راهبردی است.

ماهیت خشونت‌های مسلحانه معاصر، صیانت از قواعد حقوق بشردوستانه پس از وقوع درگیری یا در خلال آن را عملاً عقیم می‌سازد از این رو پیش‌گیری و کشف پیش‌دستانه عوامل نقض قاعده حقوقی، آثار آن را کاهش می‌دهد، این امر شامل طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها است که انتظار نمی‌رود سازمان به تنهایی از عهده انجام آن‌ها برآید و باید از طریق جلب افکار عمومی و کسب حمایت دولت‌ها و نهادهای مدنی و تشویق به حل ریشه‌ای اختلافات و بهره‌گیری از ظرفیت اطلاع‌رسانی در این خصوص اقدام کند، جنایت جنگی فقط پس از شناسایی، ریشه‌کن شده و با اتکاء بر عدالت انتقالی از حافظه تاریخی ملل حذف می‌گردد و قطع مخاصمات یا انعقاد پیمان‌های صلح، به تنهایی برای این منظور کفایت نمی‌کند.

در آمیختن قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، بسیاری از شکاف‌های حقوقی و عملیاتی را از بین می‌برد، قاعده حقوقی که استمرار حیاتش بسته به اثر آن است و خود، ضامن بقای خویش می‌باشد، در خلاء خلق نمی‌گردد بلکه بر مبنای تحولات تاریخی و تکامل اجتماعی از بطن وقایع اجتماعی استنباط و استخراج می‌گردد و اگر از کارائی لازم برای قلع ماده فساد برخوردار نباشد، نباید به آن دل بست؛ تبدیل رفتارهایی که متوجه ارائه خدمات در گستره حقوق بشردوستانه می‌باشند به کنش‌های توسعه‌ای و پیش‌گیرانه از یک سو و تسری صلاحیت و اشتغالات سازمانی بر انواع خشونت‌های مسلحانه از سوی دیگر، سهل و ممتنع و خالی از تعارض نیست معذالک سازمان در مواجهه با مسائل پیچیده روز، یا باید تن به انحلال دهد یا برای بقاء و حفظ جایگاه خویش در دفاع از حقوق ذاتی بشر، به توسیع اشتغالات اهتمام ورزد. چشم داریم که صلیب سرخ به ارتباط عوامل تهدید کننده صلح با یکدیگر توجه کرده و در صیانت از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اقدامات پیش‌گیرانه و ایجاد تحول و روز آمد ساختن روش‌های تحقق اهداف و غایات را مد نظر دارد.

References

1. Beigzadeh, E. (2017). Contribution of the International Court of Justice on Clarifying the Concept of Humanity. *International Law Review*, 34(57), 7-29. (In Persian)
2. Boissier, P. (1985). *From Solferino to Tsushima. History of the International of Red Cross*, Geneva: Henry Dunant Institute.
3. Burton, P. (2017). The Jurisdiction of international Organizations. *A Thesis Submitted to the University of Manchester* for the degree of Doctor of Philosophy in the Faculty

- of Humanities.
4. Cassese, A. (2001). Terrorism is also Disrupting some Crucial Legal Categories of International Law. Translated by Mohammad Javad Mirfakhrae. *International Law Review*, 19(26-27), 131-146. **(In Persian)**
 5. Delorenzi, S. (1999). Contending with the Impasse in international humanitarian action ICRC Policy Since the End of the Cold War. *ICRC Policy Since the end of the Cold War*, Geneva: ICRC Publication.
 6. Destexhe, A. (1996). Rwanda and Genocide in the Twentieth Century, Review by Wouter Vandenhoe. *The Journal of Modern African Studies*, 34(2), 345-347.
 7. *Draft Code of Crimes Against the Peace and Security of Mankind. International Law Commission* (1988). Fourth Edition. NY: UN.
 8. Dulti, M. T., Pellandini, C. (1994). *The International Committee of Red Cross and Implementation of a System to Repress Breaches of International Humanitarian Law*, Geneva: ICRC Publications.
 9. Esmacil Nasab, H. (2019). The Restorative Justice in Light of the 2002 International Criminal Tribunal of Yugoslavia. *International Studies Journal (ISJ)*, 16(1), 127-154. **(In Persian)**
 10. Falsafi, H. (2003). Right, Peace and Human Dignity. Reflections on the Concept of the Principle of Law, Ethical Value and Humanity. *International Law Review*, 19(26-27), 5-130. **(In Persian)**
 11. Fast, L. (2019). Unpacking the Principle of Humanity: Tensions and Implications, *ICRC Annual Report on IHL and the Challenges of Contemporary Armed Conflicts. Recommitting to Protection in Armed Conflict on the 70th Anniversary of the Geneva Conventions*.
 12. Freymond, J. (1976). Gerres, Révolution, Croix – Rouge, Réflexion Sur le Rôle du CICR, *Graduat Institute of International Studies*, Geneva. 77. ICRC translation (1999) *International Review of the Red Cross*, Humanitarian Debates : Plicy, Law, Action, 81(833).
 13. Frunkel, J. (2015). Convergence and Functionalism in International Relations. translated by Vahid Bozorgi, at: <https://rasekhoon.net/article/show/1130770/>. **(In Persian)**.
 14. *Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in*

- the Armed Forces in the Field* (1949). 12 Aguste.
15. *Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick and Shipwrecked Member of Armed Forces at Sea* (1949). 12 Aguste.
 16. *Geneva Convention Relative to the Treatment of Prisoners of War* (1949). 12 Aguste.
 17. *Geneva Convention Relative to the Civilian in Time of War* (1949). 12 Aguste.
 18. Haug, H., Hanse, P., Francoise, P., Tissot, P. (1993). The International Movement of Red Crescent and Red Cross Humanity for All. *International Review of the Red Cross*, 33(294), 268.
 19. Henckaerts, J. M. (2005). Study on Customary International Humanitarian Law: A Contribution to the Understanding and Respect for the Rule of Law in Armed Conflict. *International Review of the Red Cross*, 87(857), 175-212.
 20. *Humanitarian Challenges on the Threshold of the Twenty First Century Address by the ICRC President to the First Plenary Meeting of the 26th International Conference of the Red Cross and the Red Crescent* (1995). Geneva, 6.
 21. *Human Rights Watch: HIV/AIDS and Human Rights* (2007), 06/26.
 22. International Court of Justice (1949) *Advisory Opinion*. Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations.
 23. ICRC (2020). *The Fundamental Principles of the International Red Cross and Red Crescent Movement*. eight-page in-brief pamphlet.
 24. ICRC Documents (2018). *The ICRC during World War II*, at: <https://blogs.icrc.org/cross-files/category/audiovisual/>
 25. ICRC Migrants, Refugees, Asylum Seekers (2018). *No Name Article*. At: <http://www.icrc.org/migrants>
 26. ICRC (2010). Environment and International Humanitarian Law. *Overview, War and Law*. at: <https://www.icrc.org/eng/war-and-law/conduct-hostilities/environment-warfare/overview-environment-and-warfare.htm>.
 27. ICRC (2020). Six Essential Lessons for a Pandemic in Humanitarian Setting, *Statement to UN Security Council Open Debate: Pandemics and Security*, 2 July, at: <https://www.icrc.org/en/document/six-essential-lessons-pandemic-response-humanitarian-settings>
 28. ICRC (2010). International Criminal Court. Overview, at: <https://www.icrc.org/eng/war-and-law/international-criminal-jurisdiction/international->

- criminal-court/overview-international-criminal-court.htm
29. ICRC (2020). The ICRC's Mandate and Mission, at: <https://www.icrc.org/en/who-we-are/mandate>
 30. ICRC (2007). The Nazi genocide and other persecutions. Document adopted by the ICRC Assembly on 27 April 2006.
 31. *International Comitty of Red Cross* (2010). IHL and Human Rights. at: <https://www.icrc.org/en/document/ihl-human-rights-law>.
 32. *International Comitty of Red Cross* (2011). Principles Guiding Humanitarian Action, *International Review of the Red Cross*. 97(897, 898), Geneva: ICRC Publications, At: <https://www.cambridge.org/core/journals/international-review-of-the-red-cross/issue/DCEB2198394AEDE12A3F1BC3C68CFC5E>.
 33. *International Comitty of the Red Cross* (2004). The ICRC, its ambition and will to act, a discussion of the complex environment that the ICRC works in, its priorities and strategic choices, and some of the options it is confronted with in trying to achieve its objectives. At: <https://www.icrc.org/eng/resources/documents/misc/5zqdf.htm>.
 34. Karzan, B. (2016). International Criminal Court Facing the Peace vs. Justice Dilemma, *International Comparative Jurisprudence*, 2(2), 81-88.
 35. Kolluri, K. (2018) The Rwandan Genocide: Global Justice Center Blog, Rape and HIV Used as Weapons of War, at: <https://globaljusticecenter.net/blog/937>.
 36. La Rosa, A. M. (2009). Legal Advisor and Focal Point for ICRC on Issues Related to International Criminal Justice, ICRC and ICC: Two Separate but Complementary Approaches to Ensuring Respect for International Humanitarian Law, *Interview*, at: Icrc.org/en/doc/resources.
 37. Martin, G. (2033) *Understanding Terrorism*. CA: Sage Publisher
 38. *Protocol Additional to the Geneva Convention of 12 Aguste 1949* (1949). Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I).
 39. *Protocol Additional to the Geneva Convention of 12 Aguste 1949* (1949), Relating to the Protection of Victims of Non International Armed Conflicts (Protocol II).
 40. Rahimi, R. (2017). Responsibilities of Government and Private Sector Toward Human Rights. *International Studies Journal (ISJ)*, 15(3), 4- 89. **(In Persia)**
 41. Sando, Y. (1998). The International Committee of Red Cross as Guardian of International Humanitarian Law, at:

<https://www.icrc.org/eng/resources/documents/misc/about-the-icrc-311298.htm>.

42. Sassoli, M., Bouvier, A., Olson, L., Nicola, A., Milner, D., Milner, L. (1999). *How Does Law Protect in War*, Combatants and POWs. 121- 131.
43. Sommaruga, C. (1993). Humanitarian Action and Peace Keeping Operations, *International Review of the Red Cross*, 294(241-247).
44. United Nations (2000). G.A 55 Session. A/RES/55/2.

